

## یالوم قصه‌گو

«مامان و معنای زندگی» عنوان داستانی است که در مجموعه داستانی به همین نام و با ترجمه سپیده حبیبی از سوی نشر قطره روانه بازار کتاب شده است. شخصیت داستان حتی در خواب و خیال‌هایش هم هنوز درگیر مشکلاتی است که در روابط او و مادرش وجود داشته است. او درگیر گذشته خود بوده و تلاش می‌کند معنایی برای زندگی‌اش پیدا کند، معنایی که در سایه ارتباط معیوب او و مادرش آسیب‌دیده و حالا در بزرگسالی شخصیت باید بتواند هر طور شده خود را درمان کرده و بهبود بخشد.

یالوم خود درباره این کتاب و داستان درخشان «مامان و معنای زندگی» می‌گوید: در این کتاب، کوشیده‌ام هم قصه‌گو و هم آموزگار باشم. هرگاه این دو نقش با یکدیگر در تعارض بوده‌اند و باید میان افزودن يك نکته آموزشی جالب و حفظ معیار دراماتیک داستان یکی را برمی‌گزیدم، تقریباً در همه موارد داستان را مقدم دانسته‌ام و سعی کرده‌ام رسالت آموزگاری‌ام را از طریق مباحث غیرمستقیم به انجام برسانم.

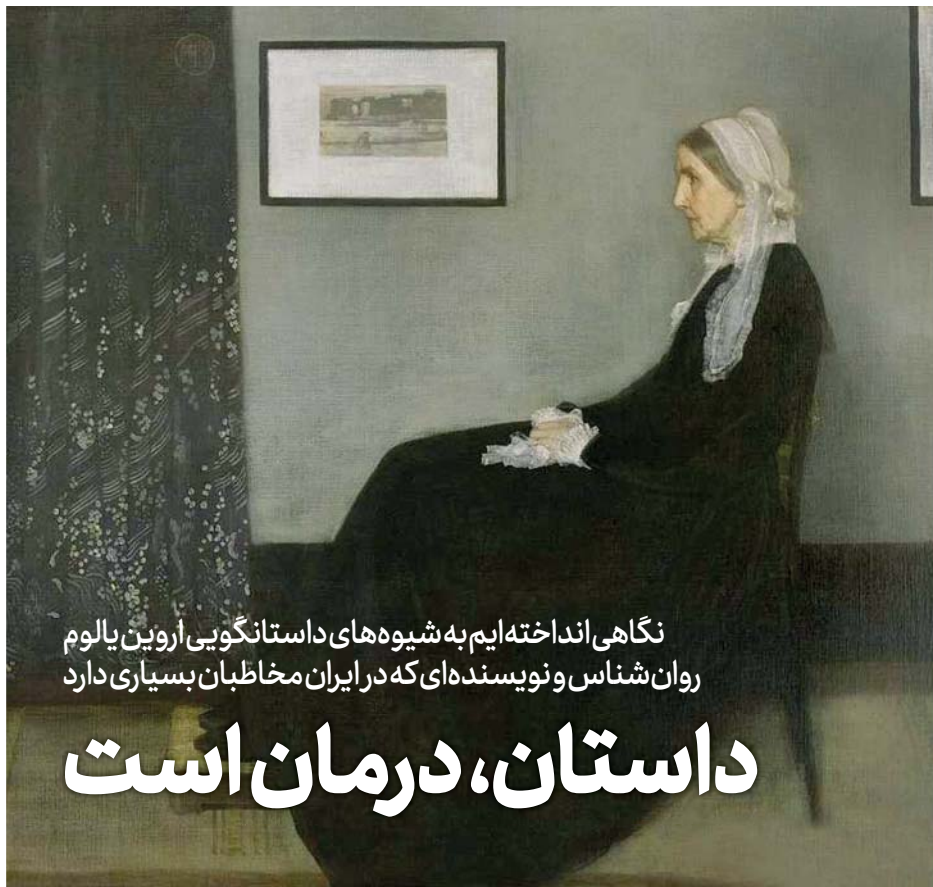
یالوم در این کتاب و به خصوص داستان مورد نظر، طنز و خودآگاهی توأمان، ما را نرم نرمک تا پرتگاه مرگ، تالیه جنون و تا ژرفای نومییدی می‌برد. او همانقدر که معلم و روان‌درمانگر خوبی است، نویسنده خوبی هم هست که می‌تواند این دو بعد وجودی‌اش را در داستان‌ها پایه‌ریزی و با خوانندگان‌ش همدلی کند تا آنها هم برسند به جمله «مطمئنم مامان به او افتخار می‌کند.» و از این طریق آنها را هم با آرامش درمان کند.

او نویسنده‌ای تأثیرگذار و دارای نگاهی چند بعدی است. غنای تجربه‌اش را به عنوان يك روان‌درمانگر با دانش و وسیعش در فلسفه و ادبیات و نیز با انسان دوستی عمیقش در هم می‌آمیزد و به شیوه درمانگری قصه‌گویان عهد باستان، ما را با داستان درمان می‌کند.

در واقع یالوم هوشمندانه بهترین شیوه را برای درمان انتخاب می‌کند و مخاطب خود را با کمترین درد، می‌کند. از این رو در جوامع بسیاری از جمله ایران که هنوز هم فرهنگ مراجعه به روان‌شناس چندان معمول نیست یا هزینه‌ها امکان مراجعه را کمتر می‌کنند، به گزینه خوبی بدل شده برای کتابخوان‌هایی از طیف‌های مختلف و متفاوت. [



«مادر نقاش» که به اصطلاح به آن مادر ویسلر نیز گفته می‌شود، اثر جیمز مک نیل ویسلر بوده که برخی آن را «مونالیزای ویکتوریایی» می‌نامند



نگاهی انداخته‌ایم به شیوه‌های داستان‌گویی اروین یالوم  
روان‌شناس و نویسنده‌ای که در ایران مخاطبان بسیاری دارد

## داستان، درمان است

◀ دنیای اروین یالوم واقعی است، زیادی هم واقعی. این روان‌شناس ۸۸ ساله که بنیانگذار روان‌شناسی هستی‌گرا یا اگزیستانسیال است، او متولد سال ۱۹۳۱ در آمریکا است و علاوه بر آثار پژوهشی و نظری، رمان و داستان‌هایی نوشته که در جهان مخاطبان بسیاری دارد. در ایران هم کتابخوان‌ها و مشتاقان ادبیات داستانی او را دنبال می‌کنند. همچنین علاقه‌مندان به روان‌شناسی و دانشجویان این رشته هم او را می‌خوانند، چرا که داستان‌هایش را هم بر اساس آنچه در جلساتش با مراجعان گذشته، نوشته و خواندنش برای هر مخاطبی در هر سطحی می‌تواند نوعی جلسه روان‌درمانگری کم‌هزینه و پربازده محسوب شود.

وقتی نیچه گریست، دروغ‌گویی روی میل، مامان و معنای زندگی، درمان شوپنهاور، پلیس را خبر می‌کنم (ترجمه، مصاحبه و تألیف برخی از بخش‌ها با نظارت نویسنده: مرجان معتمد حسینی) و مساله اسپینوزا آثار داستانی منتشر شده از او در ایران هستند. تئوری و عمل در روان. درمانی گروهی، روان‌درمانی، هنر درمان، به خورشید نگرستن، یالوم خوانان (گلچینی از مشهورترین آثار اروین یالوم)، انسان موجودی يك روزه و من چگونه اروین یالوم شدم هم آثار غیر داستانی منتشر شده از یالوم هستند.



زینب مرتضایی‌فرد

روزنامه‌نگار

## دشواری‌های مسیر یالوم شدن

در مواجهه با آثار یالوم و آرامشی که او لایه لایه سطور این روان‌درمانگر و نویسنده به چشم می‌خورد، احتمالاً می‌شود تصور کرد زندگی خوبی را پشت سر گذاشته است. تصویری که من هم به عنوان خواننده آثارش داشتم و مطالعه «من چگونه اروین یالوم شدم» که از نگارش آن مدت زیادی هم نمی‌گذرد، نگاه مخاطبانی را که ممکن است دچار فکر من بوده باشند را عوض کرده و تصویری متفاوت از یالوم ارائه می‌کند.

یالوم در این کتاب به شرح زندگی خود از ابتدا می‌پردازد، تنگدستی که خانواده‌اش با آن روبه‌رو بوده، خانه‌ای که حضور سوسک‌ها در آن غوغا می‌کرده و مادرش مجبور بوده دور تا دور تخت یالوم را که از این حشرات به شدت می‌ترسیده، ظرف‌هایی پر از نفت بچیند، اما در نهایت هم سوسک‌ها از مسیر دیوار و سقف به تخت‌خواب او می‌رسیده‌اند.

زندگی دشوار اما او را شکست نداد، بلکه این یالوم بوده که با پشتکار خاصی به همه مشکلات غلبه کرده است. در جوانی عاشق شده و در نهایت هم با همان دختر ازدواج کرده است. در کنار هم به سختی درس خوانده، از مشکلات بسیاری گذر کرده و کم‌نیاورده‌اند. خواندن این کتاب شاید تأثیر داستان‌هایی که یالوم نوشته را دو چندان کند، چرا که مخاطب می‌بیند نویسنده خود از تمام سختی‌ها گذر کرده و شعار نمی‌دهد. حرف الکی نمی‌زند و مرد عبور از دشواری‌ها بوده است.

## یالوم، داستان خوانی و داستان نویسی

در کتابخانه واشینگتن هر چه گیرش می‌آمده را می‌خوانده، آنقدر که کتاب نخوانده باقی نگذاشته! آن‌طور که خودش روایت می‌کند، فرزند پدر و مادری بیسواد بوده است، اما در جشن تولد ۹ سالگی‌اش و زمانی که به بیماری اورپیون مبتلا بود، تب داشته و در اتاق کوچک بالای مغازه پدرش. که البته محل زندگی‌شان هم هست. روی تخت دراز کشیده بوده، اقوام برایش هدایای متفاوتی برای تولد آورده بودند اما عمه‌اش رمان «جزیره گنج» اثر لویی استیونسون را برای او آورده بوده و همین می‌شود مقدمه‌ای برای کتابخوانی‌اش، و وقتی مشغول کتاب می‌شود، درد و بیماری را فراموش می‌کند.

شاید به همین دلیل است که بخش عمده‌ای از تجربیات خود را در قالب داستان بیان می‌کند تا خوانندگان‌ش در قدم اول و به ظاهر دردهای روحشان را فراموش کنند و درگیر درد و گرفتاری شخصیت‌ها شوند، اما بعدتر در آن دردها، معضل خود را پیدا کرده و به شیوه‌ای غیرمستقیم روندی شبیه يك درمان را پشت سر بگذارند. او حتی در من چگونه اروین یالوم شدم که زندگی‌نامه خودنوشتش است، می‌تواند این روال داستان‌گویی را به شکل مطلوبی حفظ کرده و تأثیرگذار باشد.

